Your English Toolbox

VOCABULARY · EPISODE 221

Short Stories with Peter: The Happy Prince — Oscar Wilde

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

be covered in

پوشیده از چیزی بودن

DEF

To have a layer of something on the outside.

Used for a surface with material spread over it.

FA

در قسمت بیرونی لایه‌ای از چیزی داشتن.

برای سطحی به کار می‌رود که ماده‌ای روی آن گسترده شده است.

The statue was covered in gold.

مجسمه پوشیده از طلا بود.

The road was covered in snow.

جاده پوشیده از برف بود.

2

in need

نیازمند

DEF

Needing help or something important.

Often describes people who need support or basic necessities.

FA

نیازمند کمک یا چیزی مهم بودن.

اغلب افرادی را توصیف می‌کند که به حمایت یا نیازهای اولیه احتیاج دارند.

The prince wanted to help people in need.

شاهزاده می‌خواست به افراد نیازمند کمک کند.

The community collected food for families in need.

مردم محله برای خانواده‌های نیازمند غذا جمع کردند.

3

despite

با وجود؛ علی‌رغم

DEF

Even though something could have made a different result likely.

Followed by a noun or an -ing form, not by a full clause without additional wording.

FA

با اینکه چیزی می‌توانست نتیجه‌ای متفاوت را محتمل کند.

در انگلیسی پس از آن اسم یا شکل ing می‌آید، نه مستقیما یک جمله کامل.

The swallow felt warm despite the cold.

پرستو با وجود سرما احساس گرما کرد.

Despite the rain, the neighbours came outside.

با وجود باران، همسایه‌ها بیرون آمدند.

4

leaf by leaf

ورق به ورق

DEF

One leaf or thin piece at a time.

The pattern noun by noun emphasises gradual action, as in step by step.

FA

هر بار یک برگ یا تکه نازک.

الگوی اسم by اسم بر انجام تدریجی تأکید می‌کند، مانند step by step.

Leaf by leaf, the swallow carried the gold away.

پرستو ورق به ورق طلا را با خود برد.

She removed the decorations leaf by leaf.

او تزئینات را برگ به برگ برداشت.

5

make a choice

انتخاب کردن؛ تصمیم گرفتن

DEF

To decide between possible actions or options.

Often suggests a meaningful decision; the past form is made a choice.

FA

میان اقدامات یا گزینه‌های ممکن تصمیم گرفتن.

اغلب به تصمیمی مهم اشاره دارد؛ شکل گذشته آن made a choice است.

The swallow made a choice to stay.

پرستو تصمیم گرفت بماند.

He had to make a choice between leaving and helping.

او باید میان رفتن و کمک کردن انتخاب می‌کرد.

6

melt

ذوب شدن؛ ذوب کردن

DEF

To become liquid because of heat.

Can describe a material changing state or something causing that change.

FA

بر اثر گرما مایع شدن.

می‌تواند تغییر حالت ماده یا ایجاد آن تغییر را توصیف کند.

The broken heart would not melt in the fire.

قلب شکسته در آتش ذوب نشد.

Ice melts when it gets warm enough.

یخ وقتی هوا به اندازه کافی گرم شود ذوب می‌شود.

7

firewood

هیزم

DEF

Wood used as fuel for a fire.

An uncountable noun; do not usually say a firewood.

FA

چوبی که به عنوان سوخت برای آتش استفاده می‌شود.

در انگلیسی اسمی غیرقابل‌شمارش است؛ معمولا a firewood گفته نمی‌شود.

The writer needed food and firewood.

نویسنده به غذا و هیزم نیاز داشت.

They brought firewood into the house before the snow.

آن‌ها پیش از بارش برف هیزم را به خانه آوردند.

8

precious

ارزشمند؛ گران‌بها

DEF

Very valuable or deeply important.

Value can be emotional or moral, not only financial.

FA

بسیار باارزش یا عمیقا مهم.

ارزش می‌تواند عاطفی یا اخلاقی باشد، نه فقط مالی.

The angel chose the two most precious things in the city.

فرشته دو چیز ارزشمند شهر را انتخاب کرد.

Time with a friend can be precious.

زمان گذراندن با یک دوست می‌تواند گران‌بها باشد.